

خاطره، هویت، منظر

نقش عناصر منظر در تشکیل هویت شهر

یکی از اهداف نهایی معماری در جوامع بشری، تقویت و ارتقاء فرهنگ جامعه از طریق بازنمایی مظاهر تمدن همچون هنرها، شهر و فضاهای شهری گذشته است که از استقلال و هویت مختص خود برخوردار بوده و در صدد است مفاهیمی ایجاد کند که نهایتاً موجب ادراک معنایی همچون احساس تعلق به مکان، حس شهروندی و تداعی خاطرات گذشته شود. در حالی که آنچه امروزه اغلب در ذهن انسان‌ها تصویر می‌شود چیزی جز ساختمان‌های بلند اداری، بانک‌ها، برج‌های عظیم مسکونی و فضاهای تعریف نشده، نیست. اما واقعیت امر این است که آنچه شهر را به مکانی باخاطره تبدیل می‌کند، تنها بناها و ساختمان‌های موجود در واقع بعد کالبدی شهر نیست، بلکه این انسان است که در تعاملش با فیزیک شهر (چه در بافت‌های سنتی و چه در بافت‌های نوساز) موجد هویت شهری می‌شود. در این نوشتار مقوله هویت شهری، عناصر و عوامل موثر بر آن، به اختصار پرداخته می‌شود.



آسیه سامه
کارشناس ارشد معماری



مهدی زنده
دکترای معماری منظر

هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات جمعی» در شهروندان، «تعلق خاطر» و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و مفهومی چون «شهروندن» را که فراتر از ساکن بودن است، پدید می‌آورد. (کشمیری، ۱۳۸۷)

طبق تعاریف متداول، «هویت» مجموعه‌ای از صفات و مشخصاتی است که باعث تشخیص یک فرد یا اجتماع از افراد یا جوامع دیگر می‌شود و شهر نیز به تبعیت آن «شخصیت» می‌یابد. عناصر هویت‌بخشی به شهرها از دید «لینچ»، راه‌ها، لبه‌ها، گره‌ها، نشانه‌ها و محلات هستند (لینچ، ۱۳۸۷). مجموعه این عناصر معرف رویدادهای شهر در دو بافت قدیم و جدید هستند.

بافت قدیم با عناصر و مفاهیمی مرتبط است که به دلیل گذشت زمان در خاطره جمعی باقی مانده و تعامل انسان‌ها را هماهنگ با بافت و فضا صورت می‌دهد. در بافت جدید اغلب این‌ها با ناهم‌نگی، فاصله زمانی و به صورت منفک از هم ایجاد شده‌اند و برقراری ارتباط انسان با فضا در این گونه بافت‌ها، به فرصت و زمان زیادی نیاز دارد. تداعی خاطرات و ذهنیت جمعی با ایجاد عناصری خاص، برجسته و هماهنگ با ارزش‌های سنتی در بافت‌های جدید، امر هویت‌بخشی به مکان را موجب می‌شود. این عناصر خاص اگر به صورت نمادین ظاهر شوند و استفاده از معانی نمادین در مکان زیاد باشد، احساس تعلق به مکان افزایش می‌یابد. این معانی، با تکرار در اذهان، تبدیل به هویتی می‌شود که به صورت وابستگی‌های اجتماعی و فرهنگی درمی‌آید و تغییر آن‌ها تقریباً ناممکن است.

"شرط لازم برای کاربرد مکان، به معنای راستین کلمه، «خاطره» است. انسان پس از رسیدن به مکان، کیفیات محیطی آن را تجربه می‌کند و یگانگی و وحدت آن مکان - هویت - بر او آشکار می‌شود" (شولتز، ۱۳۸۷).

بدیهی است که اولین برخورد با هر شی یا پدیده‌ای، سیما و کالبد ظاهری آن است؛ وجه قابل ادراکی که با حواس پنج‌گانه به راحتی قابل تشخیص و بازشناسی است. نمود عینی یک شهر در نگاه نخست شامل عناصر طبیعی و بستر مکانی آن است. آن‌گونه که شولتز بیان می‌کند؛ انسان در برخورد اول با کیفیات محیطی روبرو شده و آن را تجربه می‌کند.

مکان توسط شناسه‌های موجود در آن تعریف می‌شود و این عوامل به عنوان مرجع درک می‌شوند. بخشی از آن‌ها به عوامل طبیعی مانند کوه، دره، رودخانه، دریا و مانند این‌ها افزای می‌شود و بخش دیگر به عناصر انسان ساخت همچون خیابان، میدان، پارک، خانه و ... برمی‌شود و ادراک هم‌زمان این‌ها موجب شناخت مکان و تعلق به آن می‌شود. این خوانش از مکان در محیط شهری، به آشکار شدن مفهوم «هویت» در نگاه شهروندان می‌انجامد. تعاریف متعددی از اصطلاح «هویت» شده است؛ که در فرهنگ لغات به این شرح آمده است: حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به هویت شناسنامه، چیستی، خود، کیستی، همانی و همانستی. (دهخدا، ۱۳۴۵) و در فرهنگ معین به آن چه که موجب شناسایی شخص است، «هویت» می‌گویند. (معین، ۱۳۸۶)

جمع‌بندی:

یافتن معانی نمادین در شهرها امری مبهم، پیچیده و غیرقطعی است، زیرا ادراک مفاهیم در قلمروهای فرهنگی متفاوت است و این عامل سبب محو معانی مکان در شهرها شده و شهرها را به مکان‌هایی بی‌روح، مرده و ناشنا تبدیل می‌کند. برای جلوگیری از بروز این مسئله، لازم است در مرحله اول تلاش جدی در جهت شناخت مفاهیم و ارزش‌های موجود مکان در بافت‌های قدیم به عمل آید و سپس در تقویت آن‌ها به عنوان مکان‌های فرهنگی و اجتماعی از طریق طراحی مناسب اقدام شود. بدین ترتیب فضاهای شهری با هم‌راه داشتن خاطرات، تعلقات و بار ذهنی، دارای معنی و مفهوم خواهند شد. اگر چه منظر شهری برای اشخاص در سنین و دوران مختلف زندگی، دارای معانی و تعلقات متفاوتی است؛ اما بحث اصلی در این حوزه، شکل‌گیری هویت شهر و فضاهای شهری در کنار خاطره‌ها و تعلقات گذشته است و این همان تصویر دیرپا و انعطاف‌پذیری است که در اذهان شهروندان تداوم خواهد یافت.

منابع

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵) لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، سازمان لغت‌نامه، ۱۲۸۵-۱۳۳۴ هجری شمسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- کشمیری، کامران (۱۳۸۷) هویت شهری و عناصر ساختاری آن، پایگاه اطلاع‌رسانی معماری و شهرسازی آرکونویز، سال سوم، شماره ۱۰.

- لینچ، کوین (۱۳۸۷) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- معین، محمد (۱۳۸۶) فرهنگ فارسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

- نورنبرگ شولتز، کریستیان (۱۳۸۷) معماری: حضور، زبان و مکان، ترجمه: علیرضا سیداحمدیان، تهران: انتشارات نیلوفر.



بافت جدید، قم



بافت قدیم، یزد